شرح دعای سی صحیفه سجادیه

در طلب کمک بر پرداختن قرض

محقق و نویسنده: فاطمه پورشفیع

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

تابستان۹۷

الدعاء الثلاثون

(وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِی الْمَعُونَهِ عَلَی قَضَاءِ الدَّيْنِ)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ هَبْ لِیَ الْعَافِيَهَ مِنْ دَيْنٍ تُخْلِقُ بِهِ وَجْهِی ، وَ يَحَارُ فِيهِ ذِهْنِی ، وَ يَتَشَعَّبُ لَهُ فِكْرِی ، وَ يَطُولُ بِمُمَارَسَتِهِ شُغْلِی وَ أَعُوذُ بِكَ ، يَا رَبِّ ، مِنْ هَمِّ الدَّيْنِ وَ فِكْرِهِ ، وَ شُغْلِ الدَّيْنِ وَ سَهَرِهِ ،

دعای آن حضرت است در یاری خواستن بر ادای وام

بار خدایا ، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا عافیت بخش ازوامی که بدان چهره ام دژم شود و خاطرم پریشان گردد و فکرم پراکنده ماند و تلاش من در ادای آن به دراز کشد خداوندا ، به تو پناه میآورم از اندوه قرض و اندیشه در آن ودل مشغولی برای آن قرض و بیخوابی کشیدن در غم آن

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ أَعِذْنِی مِنْهُ ، وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ ، يَا رَبِّ ، مِنْ ذِلَّتِهِ فِی الْحَيَاهِ ، وَ مِنْ تَبِعَتِهِ بَعْدَ الْوَفَاهِ ،

پس درود بفرست برمحمد و خاندانش و مرا از وام در پناه خوددار .

ای پروردگار من ، از توزنهار میخواهم از ذلت وامداری در این جهان و از تبعات و عواقب آن پس از مرگ .

فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ أَجِرْنِی مِنْهُ بِوُسْعٍ فَاضِلٍ أَوْ كَفَافٍ وَاصِلٍ .

پس درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا در امان خودگیر ، یا به مالی سرشار یا به کفافی ناگسستنی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ احْجُبْنِی عَنِ السَّرَفِ وَ الِازْدِيَادِ ، وَ قَوِّمْنِی بِالْبَذْلِ وَ الِاقْتِصَادِ ، وَ عَلِّمْنِی حُسْنَ التَّقْدِيرِ ، وَ اقْبِضْنِی بِلُطْفِکَ عَنِ التَّبْذِيرِ ، وَ أَجْرِ مِنْ أَسْبَابِ الْحَلَالِ أَرْزَاقِی ، وَ وَجِّهْ فِی أَبْوَابِ الْبِرِّ إِنْفَاقِی ، وَ ازْوِ عَنِّی مِنَ الْمَالِ مَا يُحْدِثُ لِی مَخِيلَةً أَوْ تَأَدِّياً إِلَى بَغْيٍ أَوْ مَا أَتَعَقَّبُ مِنْهُ طُغْيَاناً .

بار خدایا ، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا از اسراف وزیاده روی دور دار و به بخشش همراه با میانه روی از کجروی بازدار و به من بیاموز آن روش نیکو را که هزینه ام از درآمد بیش نبود و به لطف خویش از تبذیر نگهدار و روزی من از حلال روان گردان و انفاقهای مرابه راههای خیر متوجه ساز و از من بستان آن مال که مرا مغرور سازد یا به ستمگری اندازد یا به طغیانم کشاند

اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَیَّ صُحْبَةَ الْفُقَرَاءِ ، وَ أَعِنِّی عَلَى صُحْبَتِهِمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّی مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَهِ فَاذْخَرْهُ لِی فِی خَزَائِنِکَ الْبَاقِيَهِ وَ اجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِی مِنْ حُطَامِهَا ، وَ عَجَّلْتَ لِی مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً إِلَى جِوَارِکَ وَ وُصْلَةً إِلَى قُرْبِکَ وَ ذَرِيعَةً إِلَى جَنَّتِکَ ، إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ

ای خداوند ، محبوب من گردان همنشینی با نیازمندان و فقرا را و یاری ام ده که بر مصاحبت آنان شکیبا باشم . هر چه از متاع این جهانی از من گرفته ای ، در خزائن باقی خود برای من اندوخته گردان . و آنچه را ازخواسته دنیوی نصیب من ساخته ای و در این جهان به من عطا

کرده ای وسیله ای ساز برای رسیدن من به آستان عز خود و پیوستن من به مقام قرب خود و دست یافتن من به بهشت جاوید خود زیرا که تو صاحب عظیم و بخشنده کریمی

امام صادق(ع) فرمود: خیری در آن کس نیست که دوست ندارد از راه حلال مالی بدست آورد که آبرویش را حفظ و قرضش را با ان ادا نماید. (من لایحضره الفقیه ج۳ص۱٦٦ح۳٦۱۵)

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: صدقه دادن ، ده حسنه ، قرض دادن هجده حسنه، رابطه با برادران دینی بیست حسنه و صله رحم بیست و چهار حسنه دارد.(کافی"ط-اسلامیه" ج٤ص۱۰)

رسول خدا(ص) فرمود: ایّاکم و الدّین فإنّه همٌّ باللیل و ذُلّ بالنهار ؛ از وام گرفتن بپرهیزید که آن اندوه شب و خواری روز است.(البحار ٤/۱٤۱/۱۰۳)

پیامبر خدا(ص) فرمود: اگر کسی بتواند حق کسی را بپردازد تعلل ورزد هر روز که بگذرد گناه باجگیر برایش نوشته شود.(البحار۳/۱٤٦/۱۰۳)واین تعلل(در پرداخت بدهی) ظلم است"مطلٌ الغنیّ ظلمٌ"(مستدرک الوسائل ۱۵۷۱۳/۳۹۷/۱۳)

پیامبر (ص) فرمود: وام سه گونه است : کسی که هر گاه طلبکار باشد مهلت می دهد و چون بدهکار باشد به موقع می پردازد و تعلل نمی ورزد چنین کسی سود می برد و زیان نمی کند و کسی که اگر طلبکار باشد به موقع می گیرد واگر بدهکار باشد نیز به موقع می پردازد ؛ چنین کسی نه سودی می برد و نه زیانی می کند وکسی که طلبکار باشد به موقع پس می گیرد و اگر بدهکار باشد در پرداخت آن تأخیر و تعلل می ورزد چنین کسی زیان می کند و سودی نمی برد. (الخصال۲۹/۹۰)

نکاتی آموزنده از استاد قرائتی در مورد قرض و بخشش:

قرآن می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَنا فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَةً وَ اللَّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ» (بقره/۲٤۵)درباره‌ی قرض‌الحسنه هفت آیه داریم. این خودش نکته اول است، معلوم می‌شود چیز مهمی است که خدا روی این تکیه کرده است. هفت بار گفته است. حالا بگذریم که عدد هفت هم گاهی برای کثیر است. کلمه‌ی هفت و هفتاد، و حالا راز این هفت چیه؟ چند عدد است که معلوم نیست رازشان

چیست. یکی عدد هفت است. مثلاً هفت آسمان، هفت دور طواف، عدد ایام هفت تا، سورهِ حمد هفت تا. در سجده هفت جای ما باید روی خاک بچسبد. این خودش، در هفت راز است. هفت بار به قرض‌الحسنه سفارش شده است.

۱- دعوت خداوند به وام دادن به نیازمندان

مسأله‌ای که هست این است که اول که چرا نگفته: «اقرضوا» قرض بدهید. می‌گوید: «مَنْ ذَاالَّذی» چه کسی است که قرض بدهد. خدا می‌خواهد با این لحن بگوید که مجبور نیستی. مثل اینکه بگویم: شما بیا با من برویم. خوب شما در فشار قرار می‌گیری. ممکن است نخواسته باشی بیایی. می‌گویم: من دارم می‌روم. کیست که همراهی کند؟ کی با من می‌آید، فرق می‌کند با اینکه بگویم: شما بلند شو برویم. نگفته: شما قرض بدهید. گفته: «مَنْ» یعنی کیه که قرض بدهد. لحن، لحنی است که می‌خواهد آزادی در آن باشد. الزام و اکراه ندارد.«مَن»

در فارسی می‌گوییم: مقراض. مقراض یعنی آنچه پارچه را قیچی می‌کند. قرض یعنی قیچی شو. یعنی از پولت یک خرده قیچی کن. چقدر پول داری؟ هرچه پول داری، دو درصد، سه درصد، ده درصد، بیست درصد، یک مقدارش را قیچی کن بگذار در یک صندوق برای وام. چه رسمی و چه غیر رسمی، آدم می‌تواند یک صندوق فامیلی درست کند. ما داریم خانواده‌هایی را که بچه‌های فامیل مثلاً هفته‌ای، ماهی یک مبلغی را می‌دهند، یک صندوقی را در فامیل درست می‌کنند. به کسی که مورد اطمینان بیشتری است، او قرض می‌دهد. لازم نیست همه قرض‌ها در کامپیوتر و بانک و صندوق‌ها برود. در فامیل هم می‌شود صندوق زد. بعد هم نگفته: «مَنْ ذَا الَّذی قرض الله»می‌گوید: «یُقْرِضُ». فرق بین قَرَضَ و یُقرِض چیه؟ قَرَضَ یعنی یکبار در عمرش قرض داد و تمام شد رفت. یُقرض یعنی این کاره باشد. یکوقت می‌گوییم: کشت، یک وقت می‌گوییم: آدم کش است. کشت یعنی حالا از دستش در رفت یک کسی را کشت. اما وقتی می‌گوییم: آدم کش است، یعنی فعل مضارع در ادبیات عرب برای استمرار است. «یُقْرِضُ اللَّهَ» یعنی کارش این باشد. یعنی قرض دادن یک جرقه نباشد. یک جریان باشد در زندگی. پس ببیند چقدر نکته در این آیه است.

نکات در یک آیه: کلمه‌ی «مَن» یک نکته دارد. آمار هفت بار، این یک نکته است. کلمه‌ی «مَن» برای چیه؟ تا احساس اجبار نشود. «مَنْ ذَا الَّذی»

«یُقْرِضُ» یعنی وام دادن کار او باشد. اصلاً کلمه‌ی قرض که گفته است یعنی کمی از سرمایه‌ی خود قیچی کن. مقراض، یُقرض از مقراض، قیچی کن. مگر صد میلیون ندادی، ده میلیونش برای فامیل‌ها، دوست‌ها، همکارها، قیچی کن.

۲- وام به نیازمند، وام به خداوند

«مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ» چرا گفته: «یقرض الله» باید بگوید: «یقرض الناس»؟ ما به مردم وام می‌دهیم. خدا گفته: چه کسی است که به خدا قرض بدهد. این برای تشویق است. می‌خواهد بگوید: اگر به مردم قرض دادی، انگار به خدا قرض دادید. یکی هم می‌خواهد بگوید، این کسی را که قرض می‌گیرد تحقیر نکن. به ما گفتند: پول که به فقیر می‌دهی، دستت را ببوس. چون قبل از آنکه این پول به دست فقیر برسد، به دست خدا رسیده است. «وَ یَأْخُذُ الصَّدَقات» (توبه/۱۰٤) خدا صدقه را می‌گیرد. می‌خواهد بگوید: به خدا قرض می‌دهی. یکوقت قرض گیرنده تحقیر نشود. بعد هم می‌گوید: «قَرْضاً حَسَنا» این حَسَن یعنی چه؟ راجع به قرض حَسَن نکاتی را باید گفت:

۳- وام از مال حلال و سالم

۱-قرض از مال حلال باشد. وگرنه آدم دزدی کند قرض بدهد، کم فروشی کند. اختلاس کند. رشوه بگیرد قرض بدهد، قرض از مال حلال باشد. بعضی از عبادت‌های ما خود عبادتش جنایت است. مثل کسی که لجن از درون جوی بردارد، به دیوار سفید بنویسند: نظافت را مراعات کنید. این نوشتن خودش کثافت‌کاری است. چون با لجن نوشته است. یا اینکه آدم مثلاً با شراب برای نماز وضو بگیرد.پس قرض باید از مال حلال باشد. مال حلال هم مالی است که خمس‌اش را داده باشد. آقایانی که پول در صندوق‌ها می‌سپارند، در بانک‌ها برای قرض الحسنه سال به سال باید خمس‌اش را بدهند. فرض کنید من مبلغی را می‌گذارم برای اینکه قرض بدهید. سال که به من خورد، این پول جز سرمایه‌ی من است در بانک است. می‌گوید: من دستم که نیست. خوب مگر همه تاجرها پول‌هایشان را کول می‌کنند راه می‌روند؟ هیچ تاجری

پولش را دوش نمی‌گیرد. بالاخره اگر به شما بگویند: چه داری؟ می‌گویی: ده تومان در فلان بانک دارم. در صندوق دارم. سال به آن خورد باید خمس بدهی. کم می‌شود. قرآن می‌گوید: «فَيُضاعِفَهُ» جبران می‌کنم.

از مال سالم باشد. قرآن یک آیه دارد می‌فرماید: هروقت می‌خواهی چیزی به کسی بدهی، اصلاً، به فکر چیز بد هم نباشید. حالا جشن عاطفه‌ها، عید، بیایید شادی‌های خود را تقسیم کنیم. هر نوع کمکی که می‌کنید چیز پست ندهید. چون از این لباس خوشم نمی‌آید. چون این غذاها را دوست ندارم به فقیر بدهم. «لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّون» (آل‌عمران/۹۲) اگر یک چیزی را که دوست داری، دادی هنر است.

۱- حلال باشد. ۲- مال مرغوب و سالم باشد.

٤- وام برای کارهای ضروری نه تشریفاتی

برای مصرف ضروری، آخر بعضی‌ها وام می‌گیرند خانه‌شان را رنگ کنند. تلویزیون‌شان را رنگی کنند. مثلاً وام می‌گیرد که تالار بگیرد. داشتی تالار بگیر، نداشتی مهم نیست که حالا شوهرت را وادار می‌کنی، داماد و فامیل داماد و فامیل عروس، خودشان را به آتش می‌زنند که حتماً...

وام باید برای مصرف ضروری باشد. خیلی‌وقت‌ها پول‌هایی که وام می‌گیرند، حضرت عباسی مثلاً وام می‌گیرد برای اینکه پشت دیوار خانه‌اش را سنگ مرمر کند. حالا فعلاً برو بنشین، وقتی پولدار شدی، سنگ کن. بی‌منت باشد. بی‌ریا باشد. مخفیانه باشد. با عشق باشد. سریع باشد. قرض دهنده خدا را بگوییم: توفیق بده. بگو: «الْحَمْدُ لِلَّه»! آبروی وام گیرنده حفظ شود. این حسن است. یکبار دیگر، «مَنْ ذَا الَّذی يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً»

حسن یعنی چه؟ حسن یعنی نیکو. «قَرْضاً حَسَناً» یعنی قرض نیکو.

قرض نیکو مال حلال، ۲- مال سالم، ۳- مصرف ضروری، ٤- بی‌منت، ٥- بی‌ریا، ٦- مخفیانه، ۷- با علاقه این کار را بکنیم. ۸- سریع انجام بدهیم. و آبروی طرف را هم نریزیم.

بعضی وقت‌ها اینقدر می‌روند و می‌آیند، که پیر آدم در می‌آید.

۵- دوری از منت و آزار در قرض الحسنه

٦- آثار و برکات قرض الحسنه در جامعه

برکات قرض الحسنه چیه؟

الف :درمان بخل، بخل یک بیماری است. وباید با سخاوت معالجه شود.

شکوفا شدن سخاوت، آدم وقتی بخشی از مالش را مقراض کرد، قیچی کرد برای وام گذاشت، سخاوتش شکوفا می‌شود.به شرطی که کارمزد نگیرند.و اسلام شناس باشد.

۷- نظارت اسلام شناسان بر کارهای اقتصادی جامعه

همه شما قرض الحسنه بدهید، ولو مقدار کم. ولو جمع کنیم با هم یک مقداری شود. می‌گویند: عید قربان شد، پول ندارید گوسفند بخرید. چند نفر جمع شوید با هم پول بگذارید یک گوسفند بخرید. می‌شود شریکی هم قرض الحسنه داد.والسلام

آموزه های سایت حوزه در باره قرض:

مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرةً واللّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْسُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونْ»(بقره۲٤٥)

کیست که خدا را وام (یعنی قرض الحسنه) دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که گیرد و می دهد و خلق همه به سوی او بازمی گردند.

مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضَعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ اَجْرٌ کَریمٌ»(حدید ۱۱)

آن کیست که به خدا قرض نیکو دهد (یعنی قرض الحسنه و صدقه و احسان به فقیران کند) تا خدا بر او چندین برابر گرداند و پاداشی با لطف و کرامت (نامتناهی) اورا عطا نماید.

إِنْ تُقرضُوا اللّهَ قَرْضاً حَسَناً یُضعِفْهُ لَکُمْ وَ یَغْفِرْلَکُمْ وَ اللّهُ شَکُورٌ حَلیمٌ»(تغابن۱۷)

اگر به خدا (یعنی بندگان محتاج خدا) قرض نیکو (یعنی قرض الحسنه یا صدقه) دهید خدا برای شما چندین برابر گرداند و هم از گناه شما درگذرد و خدا بر شکر واحسان خلق، نیکو پاداش دهنده است و بر گناهشان بسیار بردبار است.

... وَ أَقْرِضُوا اللّهَ قَرْضاً حَسَناً ...»(مزمل ۲۰)

و به خدا قرض نیکو دهید (یعنی برای خدا به محتاجان احسان کنید وقرض الحسنه دهید ...

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا تَدایَنْتُمْ بِدَیْنٍ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی فَاکْتُبُوهُ»(بقره۲۸۲)

در این آیه مفصل احکام زیر مورد توجه قرار گرفته است:

ـ دین یا مؤجّل است ـ یعنی دارای مهلت معینی برای بازپرداخت است ـ یا غیرمؤجل که در صورت اخیر با درخواست داین، مدیون ملزم به پرداخت است، و در صورت اول تاریخ دقیق پرداخت دین باید مشخص شود؛ زیرا در آیه آمده است:

«إِلی أجلٍ مسمّیً»

ـ به جهت حرمت حفظ مال مؤمن، حکم به نوشتن دین شده است

«فَاکْتُبُوهُ»

ـ نویسنده دین باید شخص عادلی باشد

«وَلْیَکْتُبْ بَیْنَکُمْ کاتِبٌ بِالْعَدْلِ»

ـ نویسنده دین، نباید از نوشتن خودداری کند

«وَلا یَأْبَ کاتِبٌ أَنْ یَکْتُبَ»

از این رو، اگر کاتب منحصر به فرد باشد بنا به نظر برخی از فقیهان نوشتن بر او واجب عینی است.

ـ نویسنده دین باید دین نامه را بر میزان شرع بنویسد.

«كَما عَلَّمَهُ اللّهُ»

بنابراین که عبارت اخیر متعلق به «لا یأب» باشد نویسنده نباید در ازای نوشتن عوضی مطالبه کند؛ چه نوشتن بی عوض ادای شکر الهی بر او خواهد بود.

ـ شخص مدیون باید متن دین نامه را املا کند؛ چه بیان اثبات حقی در ذمه او و شهادتی علیه اوست، ودر این راستا نباید از مطلبی فروگذاری شود؛ چه ممکن است بستانکار، واقف بر اصول اهل قلم نباشد

«وَلْيُمْلِلِ الَّذى عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَقِّ اللّهَ رَبَّهُ وَ لا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئاً»

ـ اگر شخص مدیون، سفیه یا ضعیف العقل و یا ناتوان از املا باشد، ولیّ او با رعایت عدل املا کند

«فَإِنْ كَانَ الَّذى عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفيهاً أَوْ ضَعيفاً أَوْ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ»

ـ برای دین نامه دو شاهد مرد یا یک مرد و دو زن گرفته شود، تا اگر یکی از زنان مسأله را فراموش کرد دیگری یادآوری کند و این شاهدان باید عادل و مورد اطمینان باشند.

وَ اسْتَشْهِدُوا شَهيدَيْنِ مِنْ رِجالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَداءِ أَنْ تَضِلَّ »
«إِحداهُما فَتُذَكِّرَ إِحَداهُما الأُخْرى

ـ نباید شاهدان به هنگام درخواست شهادت از آن سرباز زنند.

«وَ لا يَأْبَ الشُّهَداءُ إِذا ما دُعُوا»

ـ نباید از نوشتن دَیْن کوچک و بزرگ مقید به مدت دلتنگ شد، زیرا دین نامه مکتوب نزد خدا عادلانه تر است و جهت شهادت استوارتر و جهت عدم بدگمانی و شک نزدیک ترین راه است.

«وَ لا تَسْئَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغيراً أَوْ كَبيراً اِلى أَجَلِه ذلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَاللّهِ وَ أَقْوَمُ لِلشَّهادَةِ وَ أَدْنى أَلاّ تَرْتابُوا»

ـ اگر معامله نقدی باشد؛ می توان آن را ننوشت، اگرچه نوشتن آن نیز جایز است.

«إِلاّ أَنْ تَكُونَ تِجارَةً حاضِرَةً تُديرونَها بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَلاّ تَكْتُبُوها»

ـ هرگاه معامله نقدی شود می توان بر آن شاهد گرفت.

«وَ أَشْهِدُوا إِذا تَبَايَعْتُمْ»

ـ نباید بر نویسنده و شاهد دین نامه ضرری وارد آورد، زیرا این عمل فسق است.

«وَ لا يُضارَّ كاتِبٌ وَ لا شَهيدٌ وَ إِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ»

بنابر آن که «لایضار» فعل معلوم باشد نویسنده و شاهد نباید ضرری وارد آورند.

آیه دوم

«وَ إِنْ كانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلى مَيْسَرَةٍ وَ أَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»

این آیه ناظر به عدم تعهد مدیون است در صورتی که تنگدست باشد، از این رو باید به او تا زمان گشاده دستی مهلت داد و حتی در صورت توان نیز به او کمک کرد.

در این باره ـ یعنی مهلت دادن به بدهکار و مدارا با او و ارزش و پاداش این کارِ کریمانه ـ به روایاتی گرانسنگ از ائمه معصومان علیهم السلام تمسک می جوییم.

از بُرَیده نقل است که گفت:

از رسول خدا شنیدم که می فرمود: کسی که به تنگدست مهلت دهد قبل از رسیدن موعد پرداخت، در مقابل هر روز به اندازه آن مال برای او صدقه محسوب می شود و وقتی که موعد پرداخت رسید در قبال هر روز مهلت، دو چندان صدقه برایش به حساب می آید.(الترغیب و الترهیب ج۲ص٤٤)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

کسی که می خواهد در (قیامت) روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش الهی نیست خداوند او را در سایه چتر حمایت خود قرار دهد باید به بدهکار تنگدست مهلت دهد یا این که به نفع او از حق خود بگذرد(البحار ج۱۰۳ص۱۵۰)

کسی که با انسان مؤمن تهیدستی مدارا کند، خداوند نیازهای دنیا و آخرت او را به آسانی برآورده کند .(همان ص۱۵۲)

کسی که به بدهکارش مهلت دهد یا از طلب خود صرف نظر کند، در قیامت در سایه عرش (رحمت الهی) قرار گیرد.(میزان الحکمه ج۸ص۱۲٦)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند عز و جل، مهلت دادن به تنگدست را دوست دارد، و کسی که بدهکارش تهیدست است باید به او مهلت دهد تا راه چاره ای یابد.(همان ص۱۵۳)

پاداش وام دهنده:

در روایاتی که از امامان پاک علیهم السلام بر جای مانده، قرض دادن، کار بسیار مثبتی ارزیابی شده است؛ هر چند که از قرض گرفتن ـ حتی الامکان ـ منع شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد در برابر هر درهمی که قرض داده به اندازه کوه های احد، رضوان و سینا پاداش خواهد داشت و اگر برای وصول طلب خود با بدهکار مدارا کند از پل صراط همانند برق جهنده، بدون حساب و عذاب عبور خواهد کرد.(ثواب الاعمال و عقاب الاعمال ص٤١٤)

امام علی علیه السلام در وصیتی به امام حسن علیه السلام فرمودند:

غنیمت بدان کسی را که در زمان توانگریت از تو قرض می خواهد تا در روز تنگدستی ات آن را به تو بازپس دهد.(نهج البلاغه نامه۳۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند

هیچ مسلمانی نیست که به مسلمان دیگری به خاطر خدا قرض دهد جز آن که هر روز خداوند ثواب صدقه را به حساب او به شمار آورد، تا زمانی که بدهکار، مالی را که از او قرض گرفته بازپس دهد(البحار ج۱۰۳-ص۱۳۹)

از این روایت می توان استفاده کرد که قرض دهنده بدون این که مالی را از کف دهد از تمام آثار و برکات صدقه بهره مند می گردد و تا زمانی که مدیون دینش را به او ادا نکرده هر روز معادل مالی که قرض داده گویا صدقه می دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

هر کس به مؤمنی وام دهد و منتظر بماند تا وام گیرنده از عهده پرداختن وام برآید مالش در زمره زکات است و درود فرشتگان ـ تا زمانی که وام گیرنده قرضش را ادا کند ـ نثار اوست.(همان)

کسی که برادر مسلمان و نیازمندش از او درخواست قرض کند و با این که توانایی دارد به او قرض ندهد خداوند او را از شمیم بهشت محروم گرداند.

برتری قرض

از آن جا که اسلام مخالف هرگونه گداپروری است و پیامبر رحمتش صلی الله علیه و آله وسلم بر دست کارگری که با کد یمین و عرق جبین به تأمین معیشت خویش می پردازد، بوسه می زند، با مرور روایاتی که درباره قرض و صدقه آمده است برتری قرض از صدقه کاملاً آشکار می شود. مضمون برخی از آن روایات را مرور می کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

شبی که به معراج رفتم بر در بهشت دیدم که نوشته شده بود: صدقه ده برابر و قرض، هیجده برابر پاداش دارد! به جبرئیل گفتم چرا قرض الحسنه برتر از صدقه است؟ گفت: چون قرض گیرنده همیشه به خاطر نیازش قرض می کند ولی سائل درخواست کمک می کند هر چند بی نیاز باشد(میزان الحکمه ج۸ص۱۲۳).

در فقه الرضا به نقل از امام رضا علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود:

پاداش وام دادن هیجده برابر بیش از صدقه است؛ زیرا با فراهم شدن شرایط استقراض، شخص ناگزیر به .گرفتن صدقه نمی شود.(بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص۱٤۰)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

اگر هزار درهم را دو بار قرض دهم بیشتر دوست دارم تا این که آن را یک بار تصدق دهم (همان ص۱۳۹)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر مالی را قرض دهم پیش من محبوب تر است تا همانند آن را صله دهم .(همان)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند :

هیچ مسلمانی نیست که به مسلمانی یک بار قرض دهد جز این که گویی آن مال را دو بار صدقه داده است.(همان)

نکوهش استقراض و کوتاهی در پرداختن آن

با این که در روایات به افراد متمکن توصیه و تأکید شده که به افراد نیازمند و گرفتار که ناچار به استقراض می شوند، وام پرداخت کنند ولی مضمون پاره ای از روایات حاکی از نکوهش قرض گرفتن است و آن را پدیده ای منفی می شمارد: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند :

از وام خواستن (و بدهی داشتن) حذر کنید که آن غم شب و ذلت روز است.(سفینه البحار)

از کفر و بدهی به خدا پناه می برم! گفته شد: ای پیام آور خدا! آیا بدهی با کفر معادل است؟! فرمود: آری.(همان)

هیچ دردی همچون درد چشم و هیچ اندوهی چون اندوه بدهی داشتن نیست»(همان)

نقل شده که معاویهٔ بن وهب از امام صادق علیه السلام پرسید به ما رسیده که مردی از انصار را مرگ در رسید که دینی بر عهده داشت؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر (جنازه) او نماز نگذارد و به

حاضران فرمود: بر این دوستتان نماز نگذارید تا دَین او پرداخت شود. امام علیه السلام در توضیح این روایت فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بدان جهت این کار را انجام داد تامردم مسأله دَین را سبک نشمارند(همان)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

از دَین بکاهید که در کاستن دَین فزونی عمر است.(همان)

دزدان سه گونه اند: کسی که زکات نپردازد، کسی که مهر زنان را حلال شمارد، و کسی که قرض کند و نیت پرداختن آن را نداشته باشد.(وسایل الشیعه ج۱۳ ص۷۷)

احکام قرض:

قرض دو قسم است: مدت دار؛ یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی را بپردازد. قسم دیگر، قرض بدون مدت است که زمان پرداخت در آن مشخص نشده است.

ـ اگر قرض مدت دار باشد طلب کار نمی تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند. اگر مدت دار نباشد، طلب کار هر وقت بخواهد می تواند طلب خود را درخواست کند.(رساله امام خمینی)

ـ اگر طلب کار طلب خود را درخواست کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است.(مساله ۲۲۷٦)

ـ اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی مثلاً یک سالِ دیگر زیادتر بگیرد ربا و حرام است؛ مثلاً یکصد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال یکصد و بیست هزار تومان بگیرد(۲۲۸۸مساله)

ـ ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته اگرچه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می تواند در آن تصرف کند(۲۲۸۵مساله)

ـ اگر بدهکار بدون شرط قبلی چیزی اضافه به طلبکار بدهد اشکال ندارد، بلکه مستحب است(تحریرالوسیله ج۱ کتاب دین و قرض)

ـ اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آن ها احتیاج دارد چیزی نداشته باشد طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه کند، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.(مسئله ۲۲۷۷)

ـ اگر شخصی مبلغی به عنوان قرض از دیگری گرفته و بعد از آن دیگر او را ندیده است وخیلی هم دنبالش گشته و از زنده بودن وی هم اطلاعی ندارد باید چنانچه طلبکار را می شناسد تحقیق کند تا حق او را به خودش یا به ورثه اش بپردازد و اگر از پیدا کردن صاحب پول ناامید باشد، باید از طرف او به فقیران صدقه بدهد.(استفتائات ج۲ ص۲۸۵)

ـ بدهکار می تواند مقداری از مال خود را نزد طلبکار به گرو بگذارد تا اگر طلب او را نداد از آن مال طلب خود را به دست آورد.(مسئله ۲۳۰۰)

ـ استفاده چیزی که گرو (رهن) می گذارند مال کسی است که آن را گرو گذاشته است. بنابراین گروگیرنده، بدون اجازه صاحب مال نمی تواند از آن استفاده کند.(مسئله ۲۳۰٦)

ـ طلب کار (گروگیرنده) و بدهکار (گرودهنده) نمی توانند مالی را که در رهن است بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند. مثلاً بفروشند یا ببخشند، ولی اگر یکی از آنان آن را بفروشد یا ببخشد و بعد دیگری بگوید راضی هستم، اشکال ندارد.(مسئله ۲۳۰۵)

ـ اگر مالی را که بدهکار گرو گذاشته خانه و اثاثیه منزل هم باشد طلب کار می تواند بفروشد و طلب خود را بردارد.(مسئله ۲۳۰۹)

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع: تحریر الوسیله امام خمینی (ره)

میزان الحکمه – ری شهری

قاموس قران – فرهنگ لغات- علی اکبر تفرشی

اصول کافی- کلینی